

شناگاه‌های دریای خزر آلوده هستند  
ساحلی که بیمار است  
هشدارها را جدی بگیرید



فصل گل چیدن



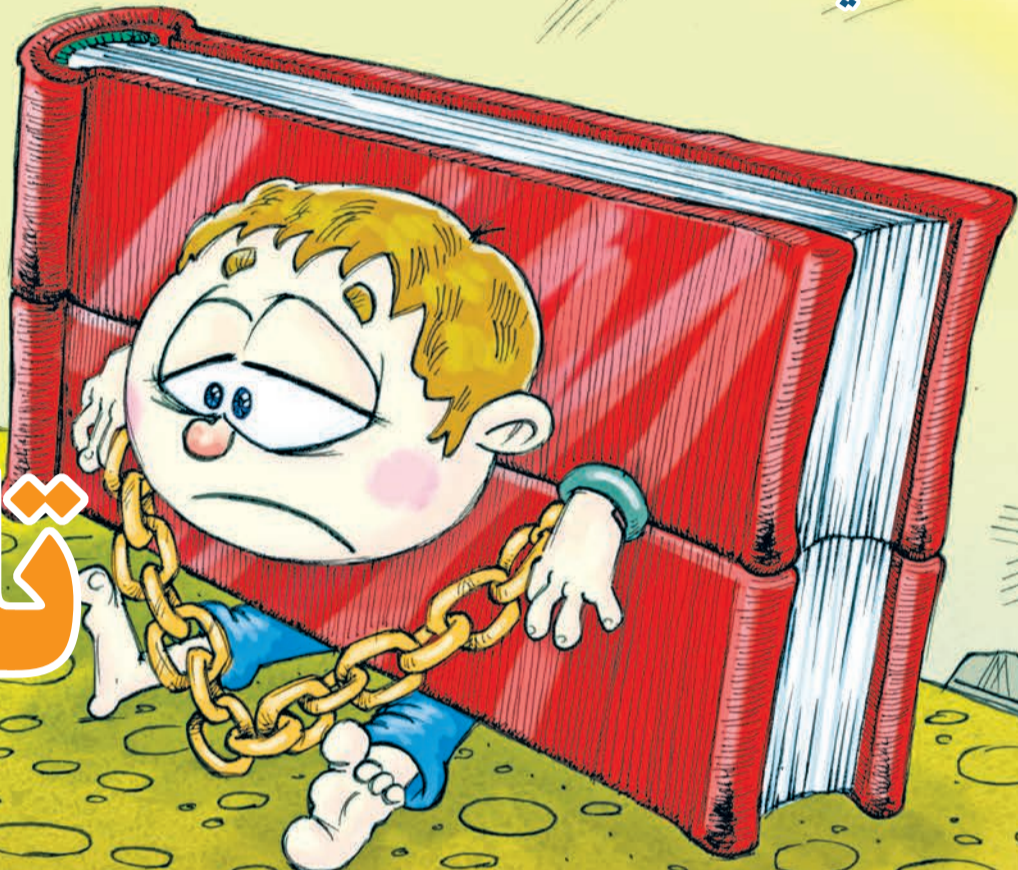
حمام قدیم و پیرندگان محله

فاسم رفیعا



# تعبید به کلاس‌های تابستونی

حتی در تعطیلات تابستان هم نمی‌توان یک نفس راحت کشید



حتی در تعطیلات تابستان هم نمی‌توان یک نفس راحت کشید

## تعبید به کلاس‌های تابستونی

فاطمه نیک | خودتان را تصور کنید که تمام سال تحصیلی را در حالی که به میز و نیمکت و چراغ مطالعه متصل بودید، گذرانده‌اید، به این امید که بدون دغدغه و دردسر خاصی از خط پایان امتحانات به آسانی عبور کرده و همه روزهای تابستان پیش رو را خوش بگذرانید، غافل از این که پس از گذراندن امتحانات، هنوز کم‌تران زیر بار نمره‌ها و گرفتن کارنامه راست نشده، والدین گرامی با فهرست بلندبالایی که به اندازه همه قد و هیكل برج میلاد است به‌سراغتان می‌آیند و می‌گویند: «بیا این برنامه کلاس‌های تابستانی به‌همراه طرح جامع اوقات فراغت» توی همچین موقعیتی اگر جان به جان آفرین تسلیم کنید، هیچ عجیب نیست، اما از آنجایی که آدمیزاد هستید و سخت‌جان، درست مثل آخرین بازمانده‌های مناطق اشغال‌شده در جنگ جهانی دوم سرنوشت خود را می‌پذیرید و به‌سمت اردوگاه‌های کار اجباری تابستانی رهسپار می‌شوید.

### انگار نه انگار تعطیلات است

این روزها پدرها و مادرها بنا به دلایل مختلف سعی دارند به اجبار فرزندشان را به کلاس‌های تابستانی بفرستند و آن قدر این موضوع را جدی گرفته‌اند که کلا نقش نوجوانان را در این ماجرا فراموش کرده‌اند و اصلاً به یاد نمی‌آورند که تعطیلات تابستان حق مسلم دانش‌آموزان است و خانواده در این ماجرا تنها باید نقش راهنمایی و هدایت را داشته باشد، نه تصمیم‌گیری. به‌جز والدین، در چندسال اخیر مسئولان هم زیادی برنامه اوقات فراغت را جدی گرفته‌اند، آنقدر که جوگیر شده و در حد برنامه‌سازمانی به این موضوع فکر می‌کنند. درست است که درنهایت همه تلاش‌های آن‌ها منتهی به شنای کودکان در جوی خیابانشان هم نمی‌شود، اما با برنامه‌برنامه کردنشان و بزرگ کردن موضوع بهره‌برداری فرهنگی از اوقات فراغت، تابستان و تعطیلاتش را به کاممان تلخ می‌کنند.

### برای خودمان خرج می‌تراشیم

در گذشته تعطیلات تابستان علاوه بر مهارت‌آموزی، جنبه کسب درآمد هم داشت. در حالی که این روزها اوقات فراغت ما به منبعی برای خرج‌تراشی تبدیل شده و نه تنها ما در طول تابستان درآمدی کسب نمی‌کنیم، بلکه درآمد والدینمان را هم به‌بار می‌دهیم. اگر توان اقتصادداری خانواده در خیل مواضع اجاره استفاده از این کلاس‌ها را به نوجوانان ندهد، بیشتر اوقات ما تصور می‌کنیم که نباید تمام آن درآمد را صرف روی هم می‌کنیم و در این بین هیچ هم به‌بار راه‌های کسب درآمد نیست. با همه‌فانی که هستیم، نباید فراموش کنیم که شرکت در کلاس‌های تابستانی می‌تواند موجب تقویت اعتماد به نفس و بصورت روابط اجتماعی ما شود. از سوی دیگر انتخاب ما در این کلاس‌ها می‌تواند موجب رشد استعدادها و جهت‌دهی مثبت به توانایی‌های ما در این سن شده و حتی زمینه‌ساز فعالیت‌های جدی ما در بزرگسالی شود.



### چرا اوقات فراغت داریم؟

همین اول مطلب حرف آخر را بزنم و خلاصتان کنم؛ همه بزرگ‌ترها و مسئولانی که برای تابستان و اوقات فراغت خیلی جدی برنامه‌ریزی می‌کنند، یا نمی‌دانند تابستان و تعطیلاتش برای چی اختراع شده، یا از بیخ و بن با این مدل تفریحات و سوسول‌بازی‌ها مخالف هستند، اما نمی‌خواهند رو کنند. درست است که دانش‌آموزان بعد از ۹ ماه درس خواندن، یک‌مرتبه بیچار شده و با سه‌ماه تعطیلات مفت و مجانی مواجه می‌شوند، اما خدا کیلی‌اش از آن قدیم‌ندیم تعطیلات موهبتی بود که معمولاً پس از یک‌دوره جان‌کنندن و سخت‌کوشی به انسان تقدیم می‌شد و فلسفه وجودی‌اش این بود که ما در تعطیلات دست از کار کشیده و نفسی تازه کنیم و برای شروع دوباره آماده شویم. برای همین درستش این است که از این فرصت پیش آمده با روش درست بهره‌برداری صحیح داشته باشیم، نه این که با آن مثل اردوهای تیم ملی فوتبال برخورد کنیم و از تابستان اردوگاه کار اجباری بسازیم و بچه‌ها را در آن به انواع و اقسام کلاس‌های تابستانی و استرس و فشار شکنجه کنیم.

### باید حق انتخاب داشته باشیم

قدیم‌ها قبل از شروع تابستان بچه‌ها به‌طور خودکار برنامه تعطیلاتشان را تهیه می‌کردند؛ برنامه‌ای که درمورد آقايسرها بیشتر دور محور کسب‌وکار و مهارت‌آموزی می‌گذشت و دخترخانم‌ها هم برای تعطیلاتشان کلی برنامه آموزشی مناسب نقش‌شان به‌عنوان مادر آینده می‌چیدند. با این که به‌نظر می‌رسد این روزها همه‌چیز خیلی گل و بلبل است و جامعه و اطرافیان بیشتر به فکر آموزش ما نوجوانان هستند، اما ظاهراً بزرگ‌ترها با دخالتشان در برنامه‌ریزی تعطیلات تابستان همه‌چیز را به‌هم ریخته‌اند. یکی از چیزهایی که با دخالت مستقیم بزرگ‌ترها در برنامه تعطیلات ما از بین رفته، حق انتخاب ما بچه‌هاست. وقتی که مامان یا باباها با سلیقه و نظر خودشان برای ما انتخاب می‌کنند و تصمیم می‌گیرند و حتی برنامه‌ریزی می‌کنند که چه ساعتی به چه کلاسی برویم، به‌طور کامل از ما فرصت تمرین در حوزه انتخاب و تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی را می‌گیرند. شاید به همین خاطر بیشتر مهارت‌هایی که این روزها ما می‌آموزیم، اصلاً و ابداً در بزرگسالی به‌کارمان نمی‌آیند، چون بیشتر این مهارت‌ها به‌جای این که براساس علاقه ما تنظیم شده باشند، از روی هوس بزرگ‌ترهایمان انتخاب شده‌اند. نکته دیگری که کارشناسان در این مورد می‌گویند این است که اگر والدین، نوجوانان را برای انتخاب تحت‌فشار قرار دهند، بعد از آن که بچه‌ها به سن خاصی برسند، می‌توانند به‌راحتی والدین را کنار بزنند، پس بهتر است والدین به‌همراه ما برای انتخاب مهارت‌ها تصمیم بگیرند. نکته دیگری که می‌شود در این مورد به آن توجه کرد، برنامه‌ریزی بلندمدت است. همان‌طور که قدیمی‌های ما تنها به سه‌ماه تابستان فکر نمی‌کردند و در واقع برای سال‌های بعد و حتی شغل آینده‌شان برنامه‌ریزی می‌کردند.

### خودتان برنامه‌ریزی کنید

آن جوری که کارشناسان می‌گویند، در بیشتر اوقات اصرار والدین برای کلاس رفتن ما نتیجه معکوس دارد و باعث دلزدگی‌مان از موضوع کلاس می‌شود. اگر دوست دارید اوقات فراغت خوبی را بگذرانید، حواستان باشد صفر تا صد برنامه‌ریزی کلاس‌هایتان را در اختیار والدین‌تان نگذارید. این روزها با این که بزرگ‌ترها مدام از فرزندسالاری دم می‌زنند، اما توی این جور مواقع خیلی بی‌رحمانه با بچه‌هایشان برخورد می‌کنند و اصلاً توجه نمی‌کنند که ما بچه‌ها در طول سال به‌قدر کافی فشارهای درسی و انضباطی را تحمل کرده‌ایم، بنابراین بهتر است در تابستان خیلی به فکر کلاس‌های علمی و تئوری مثل کلاس زبان فشرده که هر روز هفته تشکیل می‌شود، نباشید و به برنامه‌های سبک‌تر فکر کنید.

در تابستان ساعات اول صبح و عصرها که نور آفتاب به‌صورت مایل می‌تابد، ساعات مناسبی برای رفت و آمد به کلاس‌هاست. در صورتی که خواب صبحگاهی برای فرزندتان اهمیت زیادی دارد، با او صحبت کنید که بین آفتاب گرم ظهر تابستان و سختی زود بیدار شدن از خواب یکی را انتخاب کند. اگر دلش می‌خواست صبح را بخوابد به انتخابش احترام بگذارید.

### بهتر است هنرمند شوید

به همین مناسبت کلاس‌های هنری و ورزشی انتخاب‌های بهتری هستند. در حال حاضر سبک زندگی آپارتمان‌نشینی باعث شده است که ما جنب‌وجوش کمتری داشته باشیم، بازی‌های کامپیوتری، کارت‌هایی که از تلویزیون و سی‌دی‌هایی که در شبکه نمایش خانگی پخش می‌شود و به‌راحتی می‌توان از بقالی سرکوبه هم خریدشان، ما را به نشستن و بی‌حرکتی عادت داده است. به همین خاطر خوب است که به‌همراه والدین‌تان توجه بیشتری به کلاس‌های ورزشی داشته باشید و به کمک آنان، خودتان را از رخوت تابستانی خارج کرده و جنب و جوش بیشتری را تجربه کنید.

### باز هم چشم و هم چشمی

معضل دیگری که این روزها یقه اوقات فراغت بچه‌ها را گرفته، مناسبات خاله‌زنی بزرگسالان است. بعضی از خانواده‌ها ثبت‌نام فرزندشان در کلاس‌های زیاد را وسیله‌ای برای بزدادن و چشم و هم‌چشمی بین فامیل و آشنایان قرار داده‌اند. به‌نظر کارشناسان این مسئله اول باعث ایجاد فضای مقایسه بین بچه‌ها و ایجاد بار روانی سنگینی برای آنان می‌شود و همچنین علاقه آن‌ها را در استفاده از این کلاس‌ها کاهش می‌دهد.



شناگاه‌های دریای خزر آلوده هستند

# ساحلی که بیمار است



هرسال بیش از ۴۱ میلیون مسافر به سواحل دریای خزر سفر می‌کنند. این سواحل مقصد اصلی ۸۵ درصد سفرهای گردشگری داخلی است، اما آن‌طور که وضعیت این سواحل نشان می‌دهد، دیگر ظرفیت پذیرش این همه مسافر را ندارد و به همین خاطر دچار عوارض بهداشتی و محیط‌زیستی زیادی شده است.

شمال و سواحل دریایی خزر مقصد گردشگری بیشتر ما ایرانی‌هاست. الان سال‌هاست که بیشتر ما ایرانی‌ها به محض این که تعطیلاتی پیدا می‌کنیم، بارون‌بیلیمان را می‌بندیم و به سمت شمال حرکت می‌کنیم. معلوم است با دریا هم کاری نداریم، جز این که بخواهیم داخلش شنا کرده یا قایق‌سواری کنیم. اما این علاقه به‌ویژه در فصل تابستان، گاه در استان‌های گیلان، مازندران و گلستان به یک چالش درست و حسابی تبدیل می‌شود. البته این که ما فقط دسته‌جمعی می‌رویم شمال، تنها مشکل این سواحل نیست، بلکه دریای خزر مشکلات دیگری هم دارد. در چندسال گذشته به‌علت توسعه شهرنشینی و افزایش جمعیت، شاهد تولید فاضلاب‌های خانگی و صنعتی با حجم زیادی در شهرهای شمالی کشور هستیم که متأسفانه باور کنیم یا نه، بیشتر حجم این فاضلاب‌ها در نوار ساحلی خزر به حال خود رها شده‌اند. حجم زیاد فاضلاب را اضافه کنید به تعداد بالای مسافر تا خدمتتان عرض کنیم که ما زیادی از سواحل دریای خزر کار کشیده‌ایم و حال این نوار سبز ساحلی اصلاً خوب نیست.



## دودش توی چشم خودمان می‌رود

این که شورش را درآورده و بیشتر از ظرفیت سواحل دریای خزر به آن سر می‌زنیم و با ریختن فاضلاب به دریا، فاتحه محیط‌زیست را خوانده‌ایم، اول از همه دودش توی چشم خودمان می‌رود. رها شدن فاضلاب در سواحل دریای خزر مشکلات زیادی را برای آبزیان و انسان‌ها، به‌ویژه گردشگرانی که در فصل تابستان در آن شنا می‌کنند، درست خواهد کرد. بروز انواع بیماری‌های پوستی مانند خارش شدید و التهاب پوست، تغییر رنگ و اسهال در اثر وجود انواع انگل‌ها و آلودگی‌ها، برخی از تبعات آلودگی آب‌های خزر است. الان مدت‌هاست که پزشکان خیلی زیرپوستی

اعلام می‌کنند که در آب‌های شمال شنا نکنید و اگر به خودتان رحم نمی‌کنید، حداقل هوای کودکان‌تان را داشته باشید. به همین خاطر از دوسال پیش سازمان محیط‌زیست برای آسایش و آسودگی خیال گردشگران از پاک بودن سواحل، طرح پرچم‌گذاری سواحل را در دستور کار خود قرار داده است. در این طرح نصب پرچم آبی نشانه سالم بودن و نصب پرچم زرد نشانه آلوده بودن شناگاه است. نتیجه پایش‌ها نشان داده که از ۵۱ واحد بررسی شده در استان مازندران، ۱۱ واحد در وضعیت بحرانی یا فوق‌بحرانی قرار دارند که باید تعطیل شوند و به همین خاطر به‌علت بالا بودن بار میکروبی، شناگاه‌های عباس‌آباد تعطیل شده است. این اتفاق در مورد شناگاه‌های دو استان دیگر هم تکرار شد و جالب است بدانید که شناگاه‌های معروفی مثل عشق‌آباد، حاجی‌بکنده، ساحل قو و گل سرخ نیز بار آلودگی بالایی دارند.

## هشدارها را جدی بگیرید

به‌اعتقاد کارشناسان محیط‌زیست بسیاری از شناگاه‌ها مشکلات زیادی دارند و به‌خصوص شناگاه‌هایی که در محل ریختن آب رودخانه به دریا قرار گرفته‌اند، در درجه اول بیشتر است؛ چون انواع آلودگی از جمله پساب‌ها و فاضلاب‌ها به‌راحتی وارد آن‌ها می‌شود. برخی ضعف زیرساخت و برخی نیز ضعف مدیریت دارند، حجم زیادی از زباله، آن هم به‌صورت غیربهداشتی در سواحل و نزدیک شناگاه‌ها دفن شده است. مصیبت بعدی نوار سبز ساحلی شمال، نزدیکی بزرگ‌ترین کانون جمعیتی کشور، یعنی تهران است. تهرانی‌ها ظاهراً بعد از فاضلاب، بزرگ‌ترین مصیبت دریای شمال هستند که در تعطیلات بر سرش نازل می‌شوند. آن‌طوری که مسئولان محیط‌زیست می‌گویند، قرار است شناگاه‌های آلوده تعطیل و همین‌طور جابه‌جا شوند، اما خوب است بدانیم که آلودگی از یک منطقه به‌راحتی توسط امواج به مناطق سالم می‌رود و نمی‌توان خیلی در مورد پاک بودن مناطقی که پرچم زرد ندارند هم مطمئن بود. به‌نظر ما هشتی‌ها بهتر است امسال رفتن به شمال و آب‌تنی کردن را بی‌خیال شوید و اگر خیلی هم اصرار دارید که این سنت را ادامه دهید، به اطلاع‌رسانی در مورد وضعیت شناگاه‌ها از طریق زیرنویس تلویزیون و توزیع بروشورها در ورودی شناگاه‌ها توجه کنید.

## آخرین خبر پاندا و اسه چینی‌هاست



# ایلم به‌دور بخارنه

اگر به خرس‌های پاندا علاقه دارید، خوب است بدانید که تمام پانداهای جهان تحت قیمومیت چین هستند. چینی‌ها تحت قراردادهای ۱۰ ساله، پانداها را اجاره می‌دهند و به‌ازای هر پاندا، سالیانه یک‌میلیون دلار که مجموع ۱۰ سال آن ۱۰ میلیون دلار می‌شود، دریافت می‌کنند. خرس پاندا فقط در نواحی مرکزی و جنوب غربی چین زندگی می‌کند. شاید برایتان جالب باشد که بدانید این حیوان با آن که جزو دارودسته گوشت‌خواران است، اما ۹۰ درصد خوراکش را برگ درختان بامبو تشکیل می‌دهد.

## ایرنا

## سالمندانی که خوراک ببرها می‌شوند!

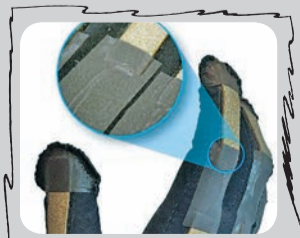


# پاوردرک‌دینه

حالا که صحبت پول پارو کردن چینی‌ها به‌خاطر خرس‌های پاندا شد، بد نیست بدانید که نگهداری ببرها در هند هم ماجراهایی عجیبی درست کرده که اخبار رسانه‌ها شده است. آن‌طوری که در خبرها آمده، روستاییان در هند برای دریافت نیم‌میلیون روپیه غرامت از دولت، سالمندان را در جنگل رها می‌کنند تا طعمه ببرها شوند. دولت برای حفاظت از ببرها اعلام کرده در صورت حمله به حیوانات اهلی یا اشخاص، غرامت می‌پردازد.

## باشگاه خبرنگاران جوان

## پارچه رایانه‌ای ساخته شد



# خلی هم خوب

برای پایان بسته خبری یک خبر علمی داریم. محققان دانشگاهی یک پارچه رایانه‌ای ساخته‌اند که می‌تواند کوچک‌ترین حرکات بدن را ردیابی کند. به اعتقاد کارشناسان، از این پارچه که یک حسگر ارتجاعی است، می‌توان در تولید لباس‌های ورزشی استفاده کرد. بیشتر حسگرهایی که برای جمع‌آوری انتقال اطلاعات در گجت‌های پوشیدنی فعلی استفاده می‌شوند، از مواد سختی ساخته می‌شود که حرکات بدن کاربر را مشکل می‌کنند. اما محققان هاروارد موفق شده‌اند عناصر رایانه‌ای را در پارچه بیافند تا یک حسگر پوشیدنی انعطاف‌پذیر و ارتجاعی بسازند. احتمالاً این پارچه در آینده کاربردهای درمانی هم خواهد داشت.



# ب بررسی بازی‌های مشهور قدیمی که امروز گیم پلی غیر قابل تها خاطرات را خراب نکنی...!

کسری کریمی | در دوران اوج بازی‌های ویدئویی زندگی می‌کنیم که سازندگان با عرضه بسته‌های الحاقی، آپدیت و پیچ‌های مختلف در تلاش هستند تمام ایرادات ریز و درشت بازی‌های خود را برطرف سازند تا مبادا گیمرها لحظه‌ای از پای ساخته آن‌ها بلند شوند. در این حال و با وجود تمام این پیشرفت‌ها، گیمرها از خود می‌پرسند که چرا تجربه بازی‌های ویدئویی مانند گذشته لذت‌بخش و جذاب نیست. این حس و حال گیمرها تا حد زیادی نشأت گرفته از تنبلی بسیاری از بازی‌سازان است. بدون شک تجربه بازی‌های جذابی مانند «آیزر قرمز» (Red Alert) و «زیدنت اویل ۲» (Resident Evil) هنوز در ذهن گیمرها مانده است و آن‌ها می‌توانستیم بار دیگر نسخه‌های اصلی را بسازند، باعث شده که نسخه‌ها تنها به بهبودهای گرافیکی و افزودن چند بخش جدید بسازی از آن‌ها با خود می‌گویند: کاش می‌توانستیم بار دیگر همان نسخه‌های اصلی را تجربه کنیم. اما صبر کنید، لطفاً هیچ‌وقت این کار را انجام ندهید. تجربه دلنشین بازی‌های که ۱۰ سال پیش انجام دادید، دیگر قابل تجربه نیست و اگر امروز به‌سراغ آن بروید، بررسی بازی‌های نوستالژیکی به‌رازیست که در روزگار خود عناوینی تاریخی بودند، کنسول‌ها اجرا شوند.



## Golden Eye باند بی‌باند



خواهش می‌کنیم سراغ «گلندن‌آی» (Golden Eye) نروید. درست است که این بازی اولین شوتر اول شخص بود که برای کنسول‌ها عرضه شد و مورد توجه گیمرها قرار گرفت و درست است که قابلیت‌های مخفی کاری و مراحل غیرخطی تنها بخشی از ویژگی‌های انقلابی این بازی بودند. ما هم به‌خوبی می‌دانیم که گیمرها قدیمی چه خاطراتی از این عنوان دارند و چه شبیهایی را به‌خاطر آن تا صبح بیدار ماندند. ما هم به‌خوبی از تمام این خاطرات آگاهیم. با این حال اگر برای خرید کارتریج خاک خورده این بازی در جمع‌بازار وسوسه شدید، تا زمانی که فرصت دارید از مهلکه بگریزید. اگر این کارتریج به سلامت در کنسول نینتندو ۶۴ شما قرار گرفت، بازم دیر نشده و تا وقت هست آن را اجرا نکنید، چون وقتی بازی اجرا شود، با عنوان درهم و برهمی مواجه می‌شوید که به هیچ‌وجه حتی یک لحظه هم نمی‌توانید گرافیک و کنترل‌اش را تحمل کنید. استودیو «ریز» به‌خاطر محدودیت‌های کنسول نینتندو ۶۴ ترجیح داد قید گرافیک قدرتمند را بزند تا هم بر محدودیت‌ها غلبه کند و هم گیم‌پلی روان برای بازیکنان به ارمغان بیاورد. با این حال باید بدانید که گرافیک بازی قابل تحمل‌تر از کنترل آن است. با کنترل نینتندو ۶۴ حتی نمی‌توانید به آسانی تیراندازی کنید یا بدوید. گویی کنترل یک بی‌خانمان گنج را برعهده دارید که حتی توانایی صاف راه رفتن نیز ندارد. پس اجازه بدهید که این جاسوس بریتانیایی از روزهای بازنشستگی خود استفاده کند و مزاحمتش نشود.

## معرفی بازی‌های جدید

## Noir

بازی گیم‌پلی ساده و در عین حال نسبتاً جذابی دارد و بدون شک افرادی که عاشق بازی‌های سریع هستند را جذب خود می‌کند. ایده بازی بسیار ساده است: سُر بخورید، بچسبید، بپرید، توپ‌های سفید را جمع کرده و به سمت راه خروج حرکت کنید. گرافیک بازی هم بسیار شاد و رنگ‌پردازی آن زیباست. بیش از ۹۰ مرحله در بازی وجود دارد که کاربران برای به پایان رساندن تمام آن‌ها باید زمان نسبتاً زیادی را صرف کنند. تنوع مراحل نیز در سطح خوبی قرار دارد، لذا پس از گذشت چند ساعت، بازی خسته‌کننده نمی‌شود.

از  
ot  
بود  
عرض  
گویند  
پلتفرم  
پشت  
شد.  
خواه  
زیبای  
امروز  
که بگذر  
و به هیچ  
همین  
شده و  
تارستگار  
این سری  
خانه اول  
آن حل شو  
باشند، زیرا  
سه‌گانه اصلی  
یک دلیل که  
اصلی نروید.

سازنده  
مکتب  
پلتفرم (فضای اجرا)  
اندروید

# OLD GAME



## Warcraft: Orcs and Humans

اورک‌های تاریخ مصرف گذشته

حتی خالقان «وارکرفت» هم عقیده دارند که این بازی به هیچ‌عنوان در حال حاضر قابل تجربه نیست. وقتی از فرانک پیرس، یکی از مؤسسان بلیزارد در مورد احتمال بازسازی این بازی پرسیدند، پاسخ او کوتاه و قاطع بود: نه البته او به این کلمه بسنده نکرد و در ادامه گفت: «فرد زیادی برای ساخت این بازی زحمت کشیدند و بازی «وارکرفت: اورک‌ها و انسان‌ها» عنوانی جذاب برای زمان خود بوده ولی براساس استانداردهای امروز، دیگر جذاب نخواهد بود.»

پیرس توضیح نداد که چه عاملی موجب این شده که وارکرفت به هیچ‌عنوان مناسب برای تجربه دوباره نباشد. اما می‌توان چندین حدس در خصوص آن زد: نخست این که از تنها چهار نیروی متشکل هوش مصنوعی دشمنان در سطح وحشتناکی قرار دارد و از همه مهم‌تر سرعت مبارزات بسیار کند است. البته ذکر این نکته هم نباید فراموش شود که کامپیوترهای کنونی بدون استفاده از نرم‌افزارهای شبیه‌ساز نمی‌توانند این بازی را اجرا کنند.



## Final Fantasy 7

منجی نقش آفرینی ژاپنی

اسکوئر انیکس در تلاش برای عرضه عناوینی مشابه «فاینال فانتزی ۷»، هرچیز اشتباه و بدی که در این بازی وجود داشت را کپی‌برداری کرده و به «فاینال فانتزی ۸» افزوده است. تمامی نکات مثبت سری حذف شده بودند، حتی دنیای تخیلی و فانتزی سری هم بامیل سازندگان نبود و آن‌ها تصمیم گرفتند خودروها و ماشین‌آلات و به‌طور کلی عناصر دنیای مدرن را به آن بیفزایند. تمام المان‌های موجود در فاینال فانتزی ۷ که به‌منظر گیمرها جذاب بودند، در قسمت هشتم تکرار شدند، اما این بار المان‌ها تکراری و خسته‌کننده بودند، لذا با استقبال روبه‌رو نشدند. به‌عقیده بسیاری از طرفداران و منتقدان، قسمت هشتم، سرآغاز سقوط نسبی سری فاینال فانتزی بود. تجربه فاینال فانتزی ۷ در حال حاضر، به هیچ‌عنوان تجربه جالبی نخواهد بود.



## Resident Evil 2

کابوس راکون سیتی

برخلاف قسمت اول «رزیدنت اویل» که وقایع آن در عمارت اسپنسر جریان داشت، این بار گیمرها با شهر راکون سیتی طرف هستند که به تسخیر زامی‌ها درآمده. علاوه بر گیم پلی جذاب، محیط‌های باز، سناریو گیرا و خشونت لجام‌گسیخته (در زمان خود) همگی دلایلی بودند تا گیمرها دست رد به سینه این عنوان نزنند. در آن زمان رزیدنت اویل یک شاهکار بی‌بدیل بود، اما امروز آن هم با وجود عناوینی مانند «آنچارتد»، «گاد او وار» و... حتی داستان و سناریو رزیدنت اویل هم نمی‌تواند هیچ گیمری را تشویق به تجربه دوباره این بازی کند. دوربین بازی که در زمان عرضه موجب تحسین تمام گیمرها شده بود، امروز چیزی بیش از یک دوربین مشکل‌دار و اعصاب‌خردکن نیست. تا وقتی که کنترل و دوربین بد بازی لئون و کلیس را همانند دو موجود احمق به دور خود نچرخاند، متوجه نخواهید شد در این موقعیت گیج‌کننده، سرنوشت شهر راکون سیتی و هویت افرادی که چنین بلایی را سر این شهر آوردند، پیشیزی برای شما ارزش ندارد و ترجیح می‌دهید خود در کنار آن‌ها بمیرید تا از شر کنترل مزخرف بازی رها شوید. با این حال بازهم خبرهای خوبی از این بازی به گوش می‌رسد. کمپانی کیکام تأیید کرده که در حال ساخت نسخه بازسازی شده قسمت دوم است، پس تا آن زمان به هیچ‌عنوان سمت‌وسوی نسخه اصلی نروید.



## Crash Bandicoot

شاهکار تاریخ گذشته ناتی داگ

خیلی جهات که بخواهیم به «کرش بندیکوت» (Crash Bandicoot) نگاه کنیم، این قهرمان سال‌ها از دوران خود جلوتر است. ساخت قسمت نخست کرش در سال ۱۹۹۴ و دو سال پیش از آن، طراحان اصلی بازی پس از مدت‌ها تحقیق عنوانی سه‌بعدی سر را خلق کردند که برخلاف دیگر عناوین پلتفرمر، دوربین آن کاراکتر قرار داشت و برهمین اساس قهرمانی به نام کرش زاده شد و در این موضوع بیش از هرچیز موهون طراحی هنری بسیار این بازی است. ولی به‌غیر از گرافیک، بقیه المان‌های بازی، بل‌تحمیل نیست. از کنترلر فاقد جوی استیک پلی استیشن ۱ هم به دوربین می‌رسیم؛ دوربینی که در یک زاویه قفل شده عنوان به گیمرها اجازه تغییر موقعیت را نمی‌دهد. به‌خاطر دوربین مشکل‌دار گیمرها در اکثر پرش‌های خود دچار مشکل می‌شوند و چاه سقوط می‌کنند. اما نگران نباشید، تنها چند هفته ی کرش باقی مانده و قرار است بازسازی سه‌گانه اصلی ای کنسول پلی استیشن ۴ عرضه شود. سازندگان بازی را از ساخته‌اند تا گرافیک، دوربین و تمام مشکلات ریز و درشت طرفداران سری به هیچ‌عنوان نباید نگران تغییرات بازی صداگذاری، طراحی مراحل و تک‌تک المان‌های گیم‌پلی در این نسخه بازسازی شده رعایت شده است. این هم سلا قانع‌کننده برای این که به هیچ‌عنوان سمت نسخه



## Myst

جزیره سرگردانی

«میس» (Myst) فقط یک بازی نیست، میس برای سیزده سال بخشی از فرهنگ دنیای مدرن و به‌خصوص گیمرها بود. علاوه بر این که رکورد یکی از پرفروش‌ترین بازی‌های تاریخ کامپیوتر در اختیار این بازی است، میس یکی از اصلی‌ترین دلایل همه‌گیر شدن سی‌دی‌رام در دهه نود میلادی محسوب می‌شود. میس پر است از عکس‌هایی با رزولوشن ۴۸۰ پیکسل که در زمان خود شاهکار تکنولوژی محسوب می‌شدند. علاوه بر این عکس‌های باکیفیت، ویدئوهای متنوعی از تجهیزات موجود در بازی هم برای سرگرمی گیمرها در گیم‌پلی گنجانده شده بودند. درک مشکل میس چندان سخت نیست. قرار دادن المان‌های چند رسانه‌ای در یک بازی به‌عنوان بخشی از گیم‌پلی، چیزی نیست که گیمر امروزی علاقه‌ای به آن داشته باشد. از این موضوع که بگذریم، به کنترل بازی می‌رسیم که دست کمی از ارائه فایل پاورپوینت ندارد. حتی معماهای بازی هم در سطح بسیار معمولی قرار دارند و عمدتاً به‌صورت شناسی و رندوم در اختیار بازیکنان قرار می‌گیرند. هیچ‌شکی نیست که بسیاری از بازی‌ها و حتی فیلم‌ها از ایده میس الهام گرفتند؛ اما انجام این بازی در این نسل هشتم بازی‌های ویدئویی، شکنج‌های بزرگ است که کمتر کسی در این دنیا شایسته تجربه آن است.



سازنده:  
نوواگیمز  
پلتفرم (فضای اجرای بازی):  
اندروید

## Dustoff Heli Rescue

کنترل هلیکوپتر امداد را برعهده بگیر و علاوه بر نجات جان سربازان زخمی، به مبارزه با تانک‌ها و نیروهای دشمن بپرداز. بازی شامل ۲۵ مرحله مختلف است که به‌مدد وظایف متنوعی که برعهده بازیکن نهاده می‌شود، حالت خسته‌کننده پیدا نمی‌کند. در این مراحل باید علاوه بر مبارزه با دشمنان، نیروهای خود را به موقعیت‌های مختلف منتقل کنید و با این‌که تجهیزات نظامی دزدیده شده را با کابل به پایگاه برگردانید. گرافیک و محیط بازی دقیقاً کپی‌برداری شده از بازی ماینکرفت است و بازیکنان بلافاصله پس از شروع بازی به این شباهت بی‌اندازه پی‌برده و ممکن است به‌جای انجام وظایف نظامی، به فکر ساخت قلعه و ساختمان بیفتند.

سازنده:  
Coma  
پلتفرم (فضای اجرای بازی):  
اندروید

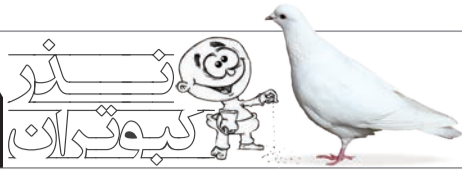


## Coma

«کما» یک بازی ماجراجویی (Adventure) دلهره‌آور است. صداگذاری نقش عمده‌ای در انتقال مفهوم و حس ترس بازی ایفا می‌کند، لذا هیچ دکمه‌ای برای کنترل و قطع کردن صدا در بازی وجود ندارد. چون حجم تمام صداهای استفاده‌شده در بازی طبق الگوریتم‌های خاصی توسط Armina Games از پیش تنظیم شده است و پیشنهاد می‌شود برای ارتباط برقرار کردن بهتر با کاراکتر بازی، این بازی را حتماً با صدا انجام دهید. گرافیک و فضای بازی آن نیز به‌شدت یادآور عنوان limbo است و این کپی‌برداری به‌نوعی نقطه‌ضعف بازی محسوب می‌شود. اپیزودهای این بازی به‌جز شماره، صاحب عنوان نیز هستند. اپیزود اول با نام «روح شیما» نام‌گذاری شده که با بازی کردن این اپیزود، علت این نام‌گذاری را درک خواهید کرد.

سازنده:  
Coma  
پلتفرم (فضای اجرای بازی):  
اندروید





ما را غلام حلقه به گوش آفریده‌اند  
جایی به غیر صحن تو جارو نمی‌زنیم  
حتی اگر که خلق سر از ما جدا کنند  
جز رو به روی صحن تو زانو نمی‌زنیم

موسی رسید در حرمت آبرو گرفت  
آمد ز حوض‌های حریمت وضو گرفت  
تو ماورای ذهن و خیال و تجسمی  
بالاترین تصور ما از تبسمی

## نمایشگاه

رالی در جنگل  
رالی قهرمانی کشور در شهر ساری با حال و هوایی کاملاً متفاوت و در مسیرهای جنگلی برگزار شد.



## هدیه‌های هشتاد و هشت



دوست نوجوان من! هدهد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت به سمت شما پرواز کرده تا شما پرنده‌های شجاع و زیبا را ببرد به کوه قاف. اگر شما هم به هدهد کمک کنید، ما زودتر به آنجا می‌رسیم.  
پست الکترونیکی ما: hodhod8@kpf-khr.ir



مقام رفیقا

## حمام قدیمی و پیرندگان محله

یک حمام قدیمی بود کنار خانه ما. آب این حمام می‌ریخت توی رودخانه و با آب رودخانه قاطی می‌شد. آن زمان محیط زیست چیز شناخته شده‌ای نبود! اوایل بهار زیاد به چشم نمی‌آمد. ما داخل همان آب گاهی شنا می‌کردیم و برای خودمان استخر درست می‌کردیم و از گرمای تابستان به آن پناه می‌بردیم. بعد کم کم آب رودخانه کم می‌شد و دیگر خبری از آب رودخانه نبود. اما فاضلاب حمام عمومی کماکان همان رودخانه بود. غیر از فاضلاب حمام، گازوئیل و قیری هم که از گلخن حمام وارد رودخانه می‌شد، باعث می‌شد آب‌ها جذب زمین شود، ولی قیرها در سطح بماند و استخرهایی را که ما اوایل تابستان برای شنا درست کرده بودیم پر از قیر شود. ما که عقل‌مان می‌کشید، اما کبوترها و گنجشک‌ها به هوای آب وارد حوضچه‌ها می‌شدند و گیر می‌کردند. اصلاً قبل از این که سازمانی به نام محیط زیست باشد، من می‌رفتم حمام حوضچه‌ها می‌ایستادم و این حیوانات بی‌زبان را می‌گرفتم و نجات می‌دادم و می‌بردم با نفت قیرهای این‌ها را می‌شستم (چون با چیز دیگری پاک نمی‌شد) ولی بدون استثنا همه آن‌ها می‌مردند. بعدها وقتی نفت کش‌ها مقدار زیادی نفت خام را به دریا ریختند و تلویزیون نشان می‌داد پلیکان‌ها و مرغ‌های دریایی در آنجا گیر افتاده‌اند، من تازه فهمیدم علت مرگ پرنده‌گان، آلوده شدن به قیر و شستن با نفت نبوده، بلکه علت مرگ آن‌ها خوردن قیر بوده و کمی وجدانم راحت شد.

حالا اطراف رودخانه ما دیگر هیچ حمام عمومی قدیمی نیست، اما از همه خانه‌ها یک لوله فاضلاب وارد رودخانه می‌شود. چون حالا همه در خانه حمام دارند! تازه رستوران‌ها هر کدام یک منبع آلودگی و فاضلاب هستند.

# فصل گل چیدن

زمین‌های یک‌دست بنفش زعفران زیبايند. دسته‌دسته گل‌های زعفران خاک یک‌دست و پهناور را آرایش می‌کند و تا چشم کار می‌کند، تا دورها زمین بنفش بنفش بود. عطر گل‌ها در هوا پراکنده بود و حظی داشت ناگفتنی.

فصل چیدن زعفران‌ها که می‌شد، همه محل بوی عطر می‌داد. محله‌های شلوغ با خانه‌هایی که در هر کدام چند بچه قد و نیم‌قد زندگی می‌کردند که اگر همه دور هم جمع می‌شدند و در پاک کردن گل‌های زعفران کمک می‌کردند، می‌شد شبی سه‌چهار کیلو و مزد پاک کردن هر کیلو هفت‌هزار تومان بود که می‌شد شبی بیست‌سی هزار تومان. خودش کار و کاسبی‌ای بود. خدا برکت بدهد. آن روزها سرانگشتان و گوشه انگشتان همه اهالی محل، پیر و جوان و کودک، طلایی‌رنگ‌شده از گل‌های زعفران بود.

همین بود که از عصر می‌رفتم توی صف خرید گل تا نوبتمان بشود. اگر کمی دیر می‌کردیم در آن هیاهو و شلوغی چیزی گیرمان نمی‌آمد و خبری از مزد نبود. آخر در عوض پاک کردن هر کیلو، هزار تومن مزد از بابا می‌گرفتم و این خودش برای ما خیلی بود.

خسته می‌شدیم، شوخی که نبود. باید چندین ساعت بی‌تحرک و چهارزانو یا دوزانو می‌نشستیم و هی یکی یکی گلبرگ‌ها را کنار می‌زدیم و آن چندرشته سرخ و آتشین را می‌گرفتم و با احتیاط بیرون می‌کشیدیم، جوری که از وسط کنده نشود. رشته بلند سر آتشین و کم‌رنگ شدن آن و آخر آن خط باریک سفیدی زیبا و شیرینی‌مانند، حواسمان بود که رشته باید کامل از دل گل جدا می‌شد تا حیف و میل نشود. همه ما توی این کار حرفه‌ای شده بودیم. سفره بزرگی پهن می‌کردیم و دور آن می‌نشستیم و انگار توی یک مسابقه شرکت کرده باشیم، تندتند دست‌ها و چشم‌هایمان از گلی به گل دیگر سر می‌خورد.

اوایل کار سخت بود. کند پیش می‌رفتم. دسته‌ها کنار هم ردیف نمی‌شدند. رشته زعفران باریک بود و گاه میانه گل جدا می‌شد و بخشی از آن در گل می‌ماند. ولی کم کم حرفه‌ای شده بودیم، جوری که بعضی شب‌ها پنج کیلو را من و مادر و لیلا و ابوالفضل پاک می‌کردیم و چه کیفی توی نگاه بابا می‌نشست و ما چه نقشه‌ها برای آن پنج‌هزار تومانی که سهم ما بود می‌کشیدیم.

دلخوشی ما وقتی بیشتر می‌شد که بی‌بی مروارید مهمان خانه‌مان می‌شد. توی ایوان روی قالیچه تر کمنی خوش‌رنگی که سرخی‌اش با رشته‌های زعفران برابری می‌کرد، می‌نشست و تندتند گل‌ها را پاک می‌کرد.



زمین‌های پاک‌رشته بنفش  
زعفران زیبايند. دسته‌دسته  
گل‌های زعفران خاک  
یک‌دست و پهناور را آرایش  
می‌کند و تا چشم کار می‌کند، تا  
دورها زمین بنفش بنفش بود.  
عطر گل‌ها در هوا پراکنده بود و حظی  
داشت ناگفتنی.

فصل چیدن زعفران‌ها که  
می‌شد، همه محل بوی  
عطر می‌داد. محله‌های شلوغ با  
خانه‌هایی که در هر کدام چند بچه  
قد و نیم‌قد زندگی می‌کردند که اگر  
همه دور هم جمع می‌شدند و در پاک  
کردن گل‌های زعفران کمک  
می‌کردند، می‌شد شبی سه‌چهار کیلو  
و مزد پاک کردن هر کیلو هفت‌هزار  
تومان بود که می‌شد شبی  
بیست‌سی هزار تومان.



مامان می‌گفت مهریه بی‌بی، هزار متر زمین بوده که از همان اول قصد کرده و تویش زعفران کاشته و هر سال محصول زمین خودش را جمع می‌کرده و گوشه‌ای از خرج زندگی را دست می‌گرفته. همین است که این قدر تند و فرزند است. نمی‌گذاشت هیچ کدام‌مان به او نزدیک شویم. یک‌مشت گل را توی سینی جلوی خودش می‌گذاشت و تا ما بچه‌ها چندتایی از رشته‌های زعفران را از لابه‌لای گلبرگ‌های بنفش بیرون بکشیم، آن‌ها را پاک می‌کرد و صدا می‌زد، لیلجان، زود باش دختر، گل بیار.

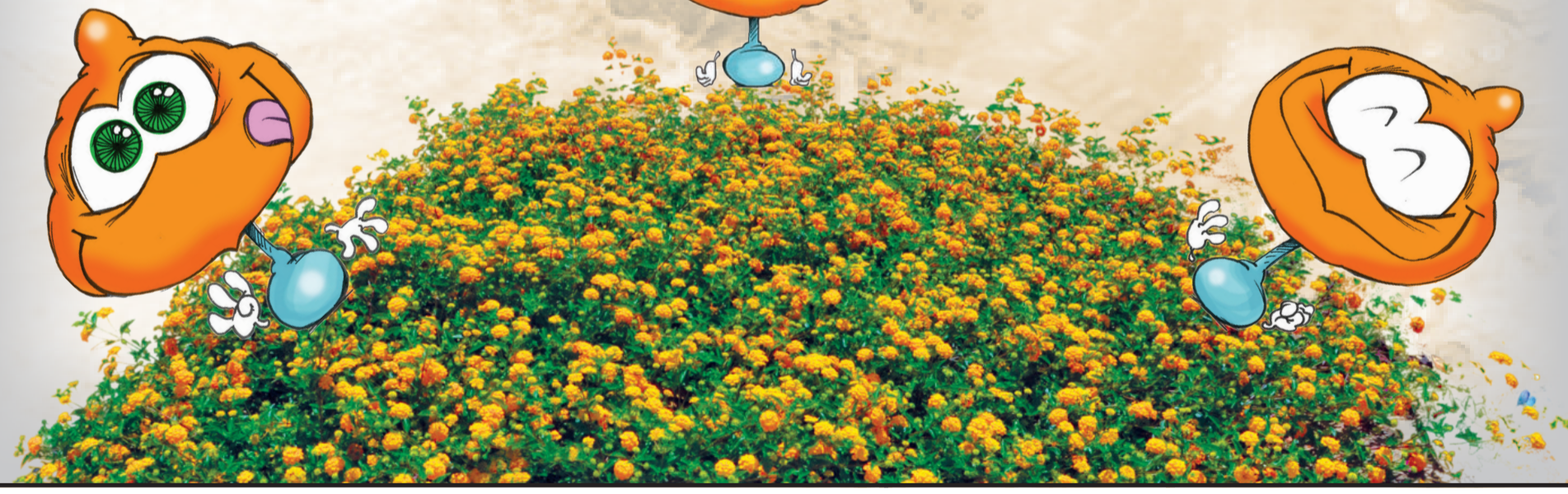
نمی‌دانم بیزن توی این سن و سال چطور می‌توانست این قدر تند کار کند؟ نمی‌دانم انگشت‌های چروک خورده‌اش چطور می‌توانست بدون لرزش تند، مرتب و سریع رشته‌های زعفران را از گل بیرون بیاورد؟ فکر می‌کردم چطور بدن پیرزن ساعت‌ها بی‌تحرک می‌نشست و آهش در نمی‌آمد؟ چشمانش مثل چشم عقاب بود و از لای گل‌های پر شده جلو ما هم رشته‌های سرخی که چندتا در میان از دستمان در رفته بود را می‌دید و می‌گفت: شما هم با این کار کردنتون! برکتش می‌ره. حواستون رو جمع کنید و آن‌ها را جدا می‌کرد و روی دسته‌ها می‌گذاشت.

و بعد که یک‌نفری جور همه ما را می‌کشید، زعفران‌های پاک کرده را دور از چشم بابا توی ظرف‌های جلوی هر کدام ما تقسیم می‌کرد و با هم زیر زیرکی می‌خندیدیم. یک‌دفعه ظرف‌مان پر از زعفران می‌شد. پر از هزاری‌های سبزه!

بی‌بی هر قدر که عاشق زمین و رنگ بنفش زعفران‌ها بود، بیشتر از آن عاشق مرد زندگی‌اش بود و درست وقتی که بابابزرگ به مرز ورشکستگی رسیده بود، از خیر زمین و زعفران و علاقه‌اش گذشت و همه را خرج دلخوشی مردش کرد و حالا هر سال توی فصل زعفران خودش را به جمع ما که تنها دلخوشی‌اش بعد بابابزرگ بودیم می‌رساند و پایه‌پای ما برای چرخاندن چرخ زندگی زحمت می‌کشید. تا کار تمام شود و بعد مامان...

و بعد مامان چای زعفرانی دم کشیده را توی استکان‌های کمرباریک یادگار جهیزیه‌اش می‌ریخت و ما مثل یک رسم خانوادگی ماندگار دور هم می‌نشستیم و چای خوش‌رنگ را با صدای بی‌بی مروارید که افسانه عاشقانه‌ای قدیمی را بر ایمان تعریف می‌کرد، می‌نوشیدیم و همه خانه از عطر خوش یک‌دلی ما بعد یک‌روز پرکار لبریز می‌شد.

زهره اکبر آبادی  
مری فرهنگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیشابور



## # هشتکو

جایی برای خندیدن، شاد بودن و حرف‌های خوشمزه زدن است.

من هم بیکارم، هم وقت ندارم.  
سر کنکور سراسری من اصلاً استرس نداشتم  
پایام داشت منو می‌رسوند جلسه امتحان،  
گفت: اصلاً استرس نداشته باش پسرم! تو به هیچ‌جا نمی‌رسی.

تا می‌تونید هندوانه بخورید  
خواص هندوانه،  
از لحاظ پزشکی نمی‌دونم، ولی از نظر اقتصادی خیلی خوبه  
چون از آب معدنی ارزون تره.

شاید باور تون نشه، ولی آدم‌ها اگر نظر تون رو بخوان و براشون مهم باشه، مستقیم  
از تون می‌پرسن،  
نیازی نیست در مورد همه‌چی نظر بدین.

# تنبل خان  
# پسر آقای همساده  
# خسیس خان  
# استاد بزرگ

یه بارم ما اومدیم رژیم بگیریم، شام نخورده خوابیدیم  
بابام هر دودقیقه یه بار در اتاق بازی می‌کرد می‌پرسید،  
چیزی شده بابا؟! قه‌ری؟ پیتزا بگیرم؟

# پسر خیل خان  
عکس‌های دوران بچگی‌م رو نگاه می‌کنم و حیرت می‌کنم که چطور یک چهره زیبا  
و معصوم به چنین هیولای وحشتناکی تبدیل شده.

# آقای همساده  
می‌خوام مناطق کم‌آب سراسر کشور رو شناسایی کنم و برای رفع مشکل  
خشکسالی برم اونجاها ماشینم رو بشورم،  
سه‌سوت بعد بارون میاد، تضمینی.

# آقای همساده  
ترسناک‌تر از مادری که حرف نمی‌زنه،  
مادریه که فکرش کنشیدن ته قابلمه تفلونش.

# یک فراری

اگر اطر افیانتان گرم‌زده شدند  
سریعا آب کافی به آنها برسانید...

الو اورژانس!؟! خیلی مقاومت می‌کرد...  
ولی آب کافی رسوندیم. قدم بعدی چیه؟

